

متن پرسش

سلام علیکم: قاعده ی ۱: استاد در بحث علت و معلول اثبات شد که معلول عین ربط به علت است و معلول چون وجود استقلالی ندارد باید مدام از علت فیض بگیرد. حال اگر معلول فعلی را انجام دهد این فعل به نفس او باز می‌گردد و چون نفس معلول قائم به خویش نیست پس فعل او هم قائم به نفس خویش نیست. و نمی‌توان فعل او را جدا و مستقل از علت اصلی اش که خداوند است تصور کرد. پس می‌توان گفت تمام افعال به خدا باز می‌گردد. قاعده ۲: از طرفی هم خداوند عین وجود است و عین وجود نیز عین کمال و عین خیر است. عین خیر که بود دیگر شر معنا نمی‌دهد. مثل اینکه در دریا که عین تری است خشکی معنا نمی‌دهد. در نور ظلمت معنا نمی‌دهد. پس می‌توان نتیجه گرفت که شر از جنس عدم است. آیت الله جوادی هم در قسمتی از تفاسیرشان فرموده بودند که شر از جنس عدم است. پس شر هم مثل جهل است. حال سوال: از طرفی گفته می‌شود تمام افعال در عالم هستی به خدا باز می‌گردد و از طرفی از خداوند شر نمی‌رسد و می‌گویند شر عدمی است. پس باید هرچه در عالم رخ می‌دهد خیر باشد و بگوییم هیچ شری در عالم نیست. و سوال پیش می‌آید افعالی که در عالم رخ می‌دهد مثل حمله ی اسرائیل به غزه فعل خدا هست یا فعل خدا نیست؟ اگر فعل خدا هست پس باید خیر محض باشد. ولی در ظاهر ما آن را شر می‌پنداریم. می‌شود توضیحی بدهید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید خداوند عین وجود است و از وجود جز وجود صادر نمی‌شود، ولی هر وجودی در هر مرتبه‌ای که باشد به جهت آن مرتبه‌اش خاصیت خاص خود را دارد که آن خاصیت را نباید به خدا نسبت داد، بلکه باید به آن مرتبه نسبت داد مثل حرکتی که در جوهر ماده هست و به همین جهت نمی‌گوییم خدا عین حرکت است. در مورد انسان هم وجود انسان از خدا است ولی این انسان در این مرتبه‌ی وجودی دارای اختیار است که این مربوط به خودش است و لذا هر فعلی که در اثر اختیار او انجام می‌شود مربوط به خودش می‌باشد. موفق باشید